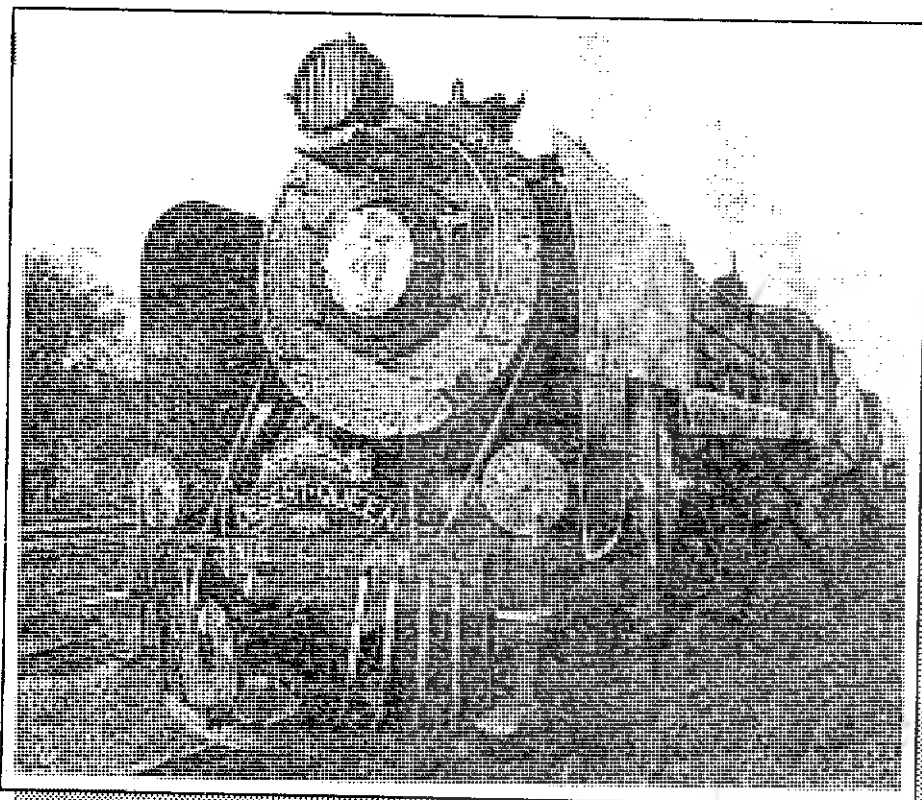


ده فرمان نو استعمارگران معاصر



انگلیسی‌ها در دوران استعمار هند، راه آهن این کشور را از جیب هندی‌های استعمارزده ساختند تا در خدمت مقاصد استعماری خودشان باشد. (در این مورد در بخش اول این نوشتار - شماره گذشته - توضیح داده شده است.)

در بخش نخست این تحقیق، روند شکل‌گیری استعمار کلاسیک و شیوه کار و عملکرد آن در مناطق مختلف جهان بررسی شد. در انتهای آن بخش، چگونگی پیوستن ایالات متحده آمریکا به اردوگاه استعمارگران تشریح شده بود. در این شماره، بخش دوم و پایانی این تحقیق را که به بررسی اضمحلال روشهای کلاسیک استعمار، و تولد استعمار جدید و شیوه‌های پیچیده عمل آن، اختصاص دارد، تقدیم شده است.

●●●

نوشته دکتر اکبر کرباسیان

امپریالیسم پس از جنگ جهانی دوم

بین دو جنگ جهانی از شدت عسافیه برای مستعمره‌گیری اندکی کاسته شد؛ البته به جز آلمان، که هنوز هوای تسخیر سرزمین‌های جدید را در سر می‌پروراند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم عطش مستعمره‌داری به شیوه کلاسیک کاهش یافت و در مقابل، هزینه نگهداری مستعمرات افزایش یافت. حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهی، که عمدتاً صلح‌آمیز بودند، به کنترل‌های مستقیم بیگانگان در بسیاری مستعمرات پایان داد. ولی پیش‌بینی نویسندگان مارکسیست درباره وقوع انقلاب، منع صدور مواد خام و انسداد بازار مستعمرات بر روی کشورهای صنعتی امپریالیستی، تحقق نیافت. کشورهای تازه استقلال یافته و مستعمرات قبلی به صدور مواد خام به اروپا و آمریکا ادامه دادند. نظام سرمایه‌داری نیز به حیات خود ادامه داد، در حالی که کمونیسم خود به بن‌بست رسید. منتهی خصلت تهاجمی کشورهای صنعتی پیشرفته در تامین بازارهای مطمئن فروش کالا و دستیابی به منابع مواد خام ارزان، از دوران مرکانتیلیسم تاکنون به قوت خود باقی مانده است.

نظریه‌پردازی‌های نویسندگان مارکسیست و دیگران مسلماً به شناخت بهتر ماهیت امپریالیسم و

بازرگانی خارجی عمل می‌کرد. منتهی این موضوع را در قلمرو حاکمیت سیاسی دولت قلمداد می‌کرد و در باره آن ساکت بود.

در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم از اهمیت ایدئولوژی در پدیده سرمایه‌گذاری خارجی کاسته شده است. اگرچه منتقدانی مانند پال یاران به وجود «سازاد اقتصادی» در کشورهای جهان سوم معتقد هستند و آن را منبع سرمایه‌گذاری برای صنعتی شدن می‌دانند، با بطلان نظریه لنین درباره امپریالیسم و استعمار، موضوع حتمیت و الزام به صدور سرمایه جهت تداوم نظام سرمایه‌داری از میان رفته است. در آغاز قرن بیست و یکم

لیبرالیسم اقتصادی کمک کرده است. آن‌ها معین کرده‌اند که در موضوع تأکید بر آزادی تجارت کالاهای ساخته شده لیبرالیسم با مرکانتیلیسم توافق کامل دارد. ولی در مورد مستعمره‌گیری و انحصارات، مرکانتیلیسم نقش فعال‌تری را برای دولت تجویز کرده است. مرکانتیلیسم در مرحله سرمایه‌داری تجاری فعال بود. پس در مراکز دورافتاده از انگلستان کالاهای انگلیسی با مواد خام مبادله می‌شد. از نظر پیشرفت تکنولوژیکی نیز صنعت هنوز در مراحل ابتدایی بود و تولید در مقیاس کوچکتر انجام می‌گرفت. ولی مرکانتیلیسم نیز شدیداً اهداف مستعمره‌گیری را می‌پسندید، زیرا که در جهت تقویت

این کشورهای در حال توسعه هستند که، برای رفع بیکاری و ایجاد اشتغال جویای سرمایه و جذب و تشویق سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای خود هستند. همین طور، در سال های اخیر شرکت های چند ملیتی در صحنه بین المللی ظاهر شده اند. این شرکت ها اکثراً دارای قدرت اقتصادی و مالی و امکانات سیاست گذاری و اجرایی بسیار عظیمی هستند، و قادرند منسجم تر و هماهنگ تر از بسیاری از دولت ها عمل کنند. شرکت های چند ملیتی معمولاً چند محصوله و چندکاره بوده و با سرمایه گذار پهای خود می توانند در توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم مؤثر واقع شوند.

استعمار جدید

خصلت تهاجمی کشورهای صنعتی غربی و نیاز به مشارکت و حمایت فعال دولت ها در تأمین بازارهای مطمئن فروش کالا و تأمین منابع خام ارزان قیمت از زمان مرکانتیلیسم تاکنون به قوت خود باقی مانده است. لذا در حالی که بسیاری از مستعمرات قبلی استقلال و آزادی سیاسی خود را به دست آورده اند، هنوز هم از توطئه ها و برنامه های زیرکانه قدرت های صنعتی، (استعمارگران قبلی)، مصون نیستند. منتهی روش های امپریالیسم جدید برای تأمین منافع و مطامع خود، نسبت به امپریالیسم سنتی، تفاوت کرده است.

به جای توسل به لشگرکشی و جنگ و تحمیل هزینه های سنگین وارد کردن فشار به مستعمرات قبلی، امپریالیسم جدید از روش های ملایم تر و ابزارهای ارزاتر و ظاهر اصلاح تری استفاده می کند. شرکت ها، عظیم و چندملیتی شده اند. پس مثل گذشته این شرکت ها قادر نیستند از سیج ملی گرایی و تحریک احساسات ناسیونالیستی در کشور خود استفاده کنند. از طرف دیگر، جهان به سمت جهانی شدن اقتصاد یا (Globalization) حرکت می کند، که در آن حوزه های نفوذ، دوباره اهمیت ویژه ای خواهد یافت. در روابط خود با کشورهای صنعتی پیشرفته، هر یک از کشورهای «استعمار زده» باید راه خود را پیدا کند.

استعمار جدید (Neo Colonialism) ممکن است از راه های زیر وارد عمل شود:

- ۱- کودتای نظامی راه بیندازد و بعضی از نظامیان یا مردان سیاسی بومی ولی دست نشانده خود را در مصدر قدرت قرار دهد. تا این که، ۲- قدرت حاکم بر جامعه را، به نفع خود از بدنه جامعه جدا کند. ۳- افراد سیاسی و نخبگان فاسد را در پست های کلیدی دولت جا دهد. ۴- بین کشورهای منطقه تنش و دعوا ایجاد کند، تا این که این کشورها ۵- به خرید اسلحه بپردازند. ۶- در داخل کشورهای عقب مانده به شایعه سازی، نفاق،

تفرقه اندازی، آشوب و بلوا و تحریک بپردازد. ۷- اقلیت های مذهبی و قومی را به نفع خود و در تضاد با منافع ملی حمایت کند. ۸- جنگ های مرزی راه بیندازد تا منابع ناچیز این کشورهای فقیر در مصارف بیهوده تلف شود، و سپس ۹- اعتبارات خاص برای خرید اسلحه در اختیار آن ها قرار دهد. تا این که ۱۰- کشورهای خریدار به خارج بدهکار شوند و تا ابد در بند قدرت های وام دهنده قرار گیرند. این روش ها و صدها نوع اقدامات نامرئی دیگر برای وابسته نگهداشتن اقتصاد کشورهای جهان سوم به اقتصاد کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان به کار برده می شود.

هزگونه بحث درباره علل عقب ماندگی کشورهای جهان سوم، بدون اشاره به سوابق تاریخی و عملکرد خاص امپریالیسم در آن کشورها، ناقص خواهد بود.

تجربه ایران با استعمار

از قرن شانزدهم میلادی به این طرف عوامل کشورهای اروپایی از پرتغال، اسپانیا، انگلستان، هلند، فرانسه و سپس روسیه، تحت پوشش شرکت های بازرگانی و میسیونرهای مذهبی به ایران وارد شدند. در همان ابتدای امر انگلستان، پرتغالی ها را از ایران بیرون راند. کوشش های اسپانیایی ها برای حضور در ایران نیز به جایی نرسید. شرکت هلندی VOC برای مدتی در اصفهان و سایر شهرها شعبه و دفتر بازرگانی دائر کرده بود. اعضای این شرکت پس از سقوط اصفهان در سال ۱۷۰۰ و اغتشاشات افغانه، برای همیشه ایران را ترک کردند.

در زمان ناپلئون، برای در خطر قرار دادن هندوستان، که مستعمره با ارزش انگلستان بود، دولت فرانسه کوشش زیادی برای نفوذ در ایران کرد. لکن ناپلئون شکست خورد و مساعی او در ایران متوقف شد.

در قرن نوزدهم رقیب سرسخت انگلستان در ایران روسیه تزاری بود. روسیه از لحاظ نظامی، سیاسی و مالی

همیشه در موقعیتی ضعیف تر از انگلستان قرار داشت. ولی به خاطر همسایگی و داشتن چند هزار کیلومتر مرز مشترک با ایران از موقعیت استراتژیک ویژه ای برخوردار بود. علاوه بر این، روسیه منافع استعماری انگلستان در هندوستان را تهدید می کرد. پس انگلستان، به خاطر حفظ منافع خود، همواره با روسیه به توافق می رسید و همکاری می کرد. بدین ترتیب دست روسیه برای تجاوز به ایران و بسط نفوذ اقتصادی و سیاسی آن کشور در ایران، کم و بیش باز بود.

در جنگ های اول (۱۸۱۴ م) و دوم (۱۸۲۷ م) ایران و روس، ایران به طرز متفضحانه ای از روسیه شکست خورد. دربار قاجار سرخورده و سرافکنده شد. برحسب عهدنامه ترکمن چای دربار قاجار تحت حمایت و سلطه روسیه قرار گرفت. از این به بعد روسیه نسبت به ادامه سلطنت قاجار به و رسیدن ولیعهد به سلطنت متعهد شد. برحسب یک ماده همین عهدنامه حداکثر افزایش تعرفه های گمرکی از اجناس روسی و بعداً اجناس سایر کشورهای اروپایی، به ۵ درصد ارزش کالا (Advalorem) محدود شد. دولت ایران غرامت سنگینی را به صورت مسکوکات طلا به روسیه پرداخت، که در نتیجه کشور از مسکوکات طلا تهی شد.

انگلستان بین مالکین و خوانین ایلات جنوب و شرق و رجال دولتی، درباریان و بعضی از شاهزادگان نفوذ فراوان داشت. در همین زمان پادشاهان قاجار و بسیاری از شاهزادگان و رجال دربار مستقر در شمال کشور همه زیر نفوذ روسیه قرار داشتند. به همین مناسبت انگلستان با انقلاب مشروطه، که دربار شاهان تحت حمایت روسیه را تضعیف می کرد، موافق بود. در سال ۱۹۰۶ انقلاب مشروطه پیروز شد. لکن کشور چنان ضعیف بود که یکسال بعد روسیه و انگلستان بر سر ایران به توافق رسیدند و ایران را به دو قلمرو نفوذ تقسیم کردند. بخش شمالی کشور حوزه قلمرو روسیه و بخش جنوبی تا اصفهان و یزد تحت نفوذ دولت انگلستان قرار گرفت. ضمناً در سال ۱۹۰۸، در خوزستان نفت کشف شد و بهره برداری از منابع نفت به وسیله شرکت نفت انگلیس و ایران، که امتیاز دارسی (W.K.Dorcy) را اجرا می کرد، آغاز شد. پیدایش نفت توجه انگلستان را بیش از پیش به ایران جلب کرد.

دولت تزاری، با پیروزی انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه ساقط شد. حکومت جدید شوروی، به عنوان سمبل حسن نیت، کلیه امتیازات و قراردادهای دولت تزاری را لغو کرد. در این زمان انگلستان در ایران بدون رقیب بود. پس بلادرنگ قرارداد ۱۹۱۹ را، که در رقابت با روسیه تزاری به دست آورده بود، معلق کرد. همین طور، آشوب های قدرت های محلی که قبلاً توسط

انگلستان، و به منظور تضعیف حکومت قاجار برپا شده بود همه متوقف گردیدند. این آشوب‌ها علت وجودی خود را از دست داده بودند. از این به بعد آشوب و بلوا با منافع دولت انگلستان منافات داشت. پس به نهضت ضدامپریالیستی جنگل، به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی، که ادامه دهنده راه مشروطیت بود، به وسیله رضاخان خاتمه داده شد.

در سال ۱۹۲۰ دو نفر ایرانی گمنام، با حمایت دولت انگلستان، به کودتایی موفق دست زدند. این دو نفر یکی سیدضیاء طباطبایی روزنامه‌نگار، و دیگری رضاخان بود که در نیروی قزاق درجه میرینجی داشت. پس از صد روز سیدضیاء کنار گذاشته شد و رضاخان خود رئیس الوزراء شد. رضاخان به دربار رفت و با کمک ایادی انگلستان مقدمات انتقال سلطنت از خاندان قاجاریه به خاندان پهلوی، از طریق ایجاد مجلس مؤسسان، فراهم شد. رضاشاه در سال ۱۹۲۵ رسماً تاجگذاری کرد.

هسته اصلی برنامه‌های رضاشاه را (۱) تقویت دولت ملی مرکزی و (۲) بسط اقتصاد دولتی تشکیل می‌داد. پس بسیاری از قدرت‌های محلی و عشایر کشور سرکوب و خلع سلاح شدند. ارتش جدید ایجاد شد و سهم دولت ایران از امتیاز نفت برای خرید اسلحه مستقیماً به حسابی که در بانک انگلستان ایجاد شده بود واریز می‌شد. همین‌طور، کلیه سازمان‌های دولتی نوسازی شدند، تقسیمات کشوری جدیدی به اجرا درآمد و نفوذ دولت مرکزی به نقاط دورافتاده رسید. در کشمکش بین روحانیت شیعه و دولت مرکزی، که از سال‌ها قبل در ایران سابقه داشت، دولت رضاشاه پیروز شد. از این پس اداره اوقاف سرپرستی مقابر، مساجد، مدارس و رقیبات و سایر موقوفات را عهده‌دار شد. شاه خود شخصاً متولی آستان قدس رضوی، آستانه حضرت معصومه، شاهزاده عبدالعظیم، شاه چراغ و سایر امامزاده‌های معتبر و مدارس مهم شد و نایب‌التولیه تعیین کرد. فعالیت دسته‌های سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و تشکل‌های مذهبی نیز نسبت به قبل محدودتر شد. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز اکثراً انتصابی شدند. نتیجه این که در عرض مدت نسبتاً کوتاهی حکومت مرکزی بسیار قدرتمند شد. رضاشاه قدرت مطلقه یافت ولی حرکت‌های وی شدیداً توسط عوامل انگلستان، که در پست‌های کلیدی قرار گرفته بودند، کنترل می‌شد. منافع انگلستان نیز که در آن زمان عمدتاً در بهره‌برداری از نفت خام، فروش اسلحه و مهمات، صادرات پارچه، موتورپمپ، دارو و سایر محصولات ساخته شده به ایران خلاصه می‌شد، به خوبی تأمین بود.

در جنگ جهانی دوم، علی‌رغم اعلام بی‌طرفی از طرف دولت ایران، نیروهای نظامی شوروی، که در جنگ

درحالی که بسیاری از مستعمرات قبلی استقلال و آزادی سیاسی خود را به دست آورده‌اند، هنوز هم از توطئه‌ها و برنامه‌های زیرکانه استعمارگران قبلی مصون نیستند.

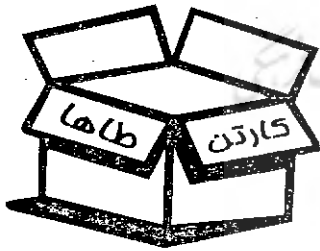
در ابتدای دهه ۱۹۵۰ زمزمه ملی شدن صنعت نفت که از پنجاه سال توسط انگلستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت در مجلس آغاز شد. مصدق رهبری این نهضت را برعهده داشت. وی به هلند رفت و در دادگاه بین‌المللی لاهه از طریق قانون اقدام به گرفتن حقوق ملت ایران کرد. و در سال ۱۹۵۲ صنعت نفت تماماً در اختیار دولت ایران قرار گرفت. ولی در این هنگام، طبق یک توطئه تدارک دیده شده، کسی خریدار نفت ایران نبود. دولت مصدق برای مدت دو سال با موفقیت کشور را بدون اتکاء به درآمدهای نفتی اداره کرد.

در همین دوران انجام کودتایی علیه دولت مصدق توسط انگلستان طرح‌ریزی شد. این کودتا به دست عوامل سیا و حامیان داخلی آن، با صرف هزینه بسیار ناچیزی که از یک‌هزارم هر لشکرکشی ارزانتر بود، انجام شد. پس محمدرضا شاه با کمک دولت آمریکا و عوامل خارجی، در مسند قدرت قرار گرفت. بهره‌برداری از نفت ایران نیز به صورت کنسرسیومی بین‌المللی، که ۴۰ درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های نفتی آمریکایی بود، در اختیار کشورهای صنعتی غرب قرار گرفت. بدین

متحد آمریکا و انگلیس بودند، به ایران وارد شدند. از این به بعد، علاوه بر انگلستان، شوروی و آمریکا در صحنه سیاست ایران ظاهر شدند. این کشورها از ایران امتیازات سیاسی و اقتصادی که عمدتاً در بازار فروش کالا و تأمین نفت خام ارزان قیمت خلاصه می‌شد، می‌خواستند.

خروج نیروهای شوروی از ایران در سازمان جدید ملل متحد مطرح شد و بالاخره نیروهای نظامی شوروی در سال ۱۹۴۷ از آذربایجان خارج شدند. اکنون شرایط برای گرفتن امتیازات نفتی توسط آمریکایی‌ها بهتر شده بود. لکن دکتر مصدق، نخست وزیر وقت ایران از طریق مجلس انجام هرگونه مذاکره و دادن قول درباره واگذاری امتیاز نفت به کشورهای بیگانه را منع کرده بود.

کارتن طاهها



سازنده انواع کارتن های سفید و قهوه‌ای

سه لا و پنج لا ، E فلوٹ صادراتی ، دایکاتی و پیتزایی

افتخار دارد با کادر مجرب نقش مهمی از طراحی

تا اجرا در این زمینه ایفا نماید.

مدیریت : حیدری

آدرس : فلکه چهارم تهران پارس ، خیابان وفادار شرقی

بین خیابان ۱۳۲ و ۱۳۵ کوچه ۲۱۸ شرقی ، پلاک ۹۴

تلفن : ۲۳۲۹۶۴۰

ترتیب آمریکا نیز به جرگه استعمارگران و بهره‌گیران از نفت خام ایران پیوست و نفوذ آن در ایران روز به روز بیشتر شد.

در سال ۱۹۶۲، برحسب توصیه ماکد حزب دمکرات و رئیس جمهوری وقت آمریکا جان اف. کندی (J.F. Kennedy) در ایران اصلاحات ارضی انجام شد. سپس برنامه‌های «انقلاب سفید» و «انقلاب شاه و مردم» اجرا شد. ولی از این پس دخالت دولت در امور اقتصادی به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، ضمن این که فعالیت بخش خصوصی نیز از طریق Joint-Venture به ویژه در صنایع مونتاز، مورد تشویق و حمایت مالی نظام بانکی داخلی و خارجی قرار گرفت. برحسب پیشنهادات اقتصاددانان آمریکایی در این زمان، ایران نیز به صنایع جایگزین واردات (Import Substitution) روی آورد. (۸) و در دهه ۱۹۶۰ تعدادی کارخانه تولیدی در ایران دایر شد.

در اثر جنگ خاورمیانه در سال ۱۹۷۳ بهای نفت خام به طور بی‌سابقه‌ای در جهان افزایش یافت. به همین دلیل درآمدهای ارزی دولت ایران از محل صادرات و فروش نفت خام نیز شدیداً افزایش یافت. در این هنگام، به جای تقویت بنیان صنایع ملی کشور (Infant Industry Protection) دولت (۱) «سیاست درهای باز» و استقرار «تمنن بزرگ آریامهری» از طریق ورود کالاهای خارجی را اجرا کرد و (۲) به نرخ‌گذاری تنبیهی بر روی کالاهای ساخت داخل مبادرت ورزید. پس سیل واردات کالاهای خارجی ارزان قیمت و نرخ‌گذاری‌های دولتی قدرت رقابت را از صنایع داخلی سلب کردند و بسیاری از آن‌ها را به ورطه ورشکستگی کشانیدند. تعدادی از این شرکت‌ها به زودی به واردکنندگان کالا مبدل شدند و به جای تولید به تجارت پرداختند. پس علاوه بر تامین نفت خام، فروش کالاهای خارجی در ایران رونق گرفت و مطامع امپریالیسم اقتصادی به طرز مطلوبی تامین شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درگیر بودن یک کشور صنعتی پیشرفته در اقتصاد یک کشور غیر صنعتی، به گونه‌ای که حاکمیت سیاسی

استعمار نو که برای تامین منافع

اقتصادی کشورهای صنعتی و

شرکت‌های چندملیتی در جهان

سوم برنامه ریزی می‌کند، اکنون

از روش‌های بسیار ظریف و

بسیار پیشرفته‌ای استفاده

می‌کند که به راحتی قابل

شناسایی نیستند.

کشور غیرصنعتی را سست‌تر کند و منافع آن را تحت الشعاع کشور صنعتی قرار دهد امپریالیسم خواندیم. این نوع ارتباط از زمان پیدایش مرکانتیلیسم در قرن شانزدهم، و حتی در سرتاسر دوران لیبرالیسم اقتصادی و آزادی تجارت بین‌المللی در جهان وجود داشته است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، که بسیاری از مستعمرات قبلی اروپایی در آسیا و آفریقا آزاد شدند و استقلال یافتند، خط مشی و مقاصد امپریالیسم پابرجا ماند، در حالی که شکل، ابزارها و روش‌های دخالتی کشورهای صنعتی تغییر کرد. پس استعمار نو، که برای تامین منافع اقتصادی ملی کشورهای صنعتی و شرکت‌های چندملیتی در کشورهای جهان سوم برنامه‌ریزی می‌کند، اکنون از روش‌های بسیار ظریف و پیشرفته‌تری که به راحتی قابل شناسایی نیستند، استفاده می‌کند. باید این واقعیت‌ها را شناخت و با برخورداری عقلانی و در نظر گرفتن منافع مشترک با کشورهای صنعتی به سیاست‌گذاری جهت توسعه اقتصادی کشور پرداخت. نزدیک‌بودن سیاست‌واقتصاد در اینجا مفهوم پیدا می‌کند.

امپریالیسم کالا و تفکر و تمنن غربی را به بسیاری از کشورهای جهان رسانید. استعمارگران از سرزمین‌های تحت‌الشعاع خود بسیار بردند و در عوض جنبه‌هایی از فرهنگ خود را به جای گذاشتند. کلمه امپریالیسم عمدتاً توسط استعمار شدگان به کار برده می‌شود. این کلمه احساسات منفی نسبت به کشورهای صنعتی غرب در انسان ایجاد می‌کند، در هر صورت، باید به موضع برابر رسید. هرگونه بحث درباره علل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم، بدون اشاره به سوابق تاریخی و عملکرد خاص امپریالیسم در آن کشورها، ناقص خواهد بود.

منابع:

۱- J. A. Hobson, Imperialism: A Study (London, Allen. Unwm, 1938)

۲- V. I. Lenin, Imperialism, The Highest Stage of Capitalism (London: Lawrance, Wishart, 1939)

۳- جیمز آکانر، مفهوم امپریالیسم اقتصادی، ترجمه علی اصغر کشتگر، (تهران: روزبهان، ۱۳۵۶)

۴- و بانوف، سلاح اقتصادی استعمار جدید، ترجمه نظام الدین قهاری و محمود ریاضی (تهران: انتشارات زر، ۱۳۵۶)

۵- Kim Roosevelt, Counter Coup
ع. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) J. A. Hobson, Imperialism: A Study (London: Allen Unwm, 1983) P. 368

(۲) همان، صفحه ۹۱

(۳) V. I. Lenin, Imperialism, The Highest Stage of Capitalism (London: Lawrance & Wishart, 1939)

(۴) مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۲۸-۱۳۷، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۲۸

(۵) عدنان مزارعی، تاریخ اقتصادی و اجتماعی عمومی، ص ۱۸۶

(۶) این حرکت مخالف اصطلاح «تجارت در پس پرچم حرکت می‌کند» یا "Trade Follows the Flag" بود.

(۷) Paul Saran, The Political Economy of Growth (New York: Monthly Review Prest (1962) P. 145

(۸) ————— R. Prebish, R. Nurkse, G. Mirdal و A.U. Hirshman

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین‌المللی آرامکس



با بازده عالی سابقه در فضایی
حمل و نقل بین‌المللی هوایی در جهان

آرامکس

ARAMEX

It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطين، پایین تر از میدان فلسطين، شماره ۱۵۱

تلفن: ۶۴۰۳۹۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۳۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ توران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W.W.DCI. CO.IR